

شیمی کانی مگنتیت و مشخصه‌های میانبارهای سیال در کانسار آهن کوه‌بابا، جنوب هشترو، شمال غرب ایران

مجید حافظ دربارنی^{*}، علی عابدینی^۱، فرهنگ علی‌یاری^۲، علی اصغر کلاگری^۳

۱- گروه زمین‌شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه ارومیه

۲- گروه مهندسی معدن، دانشگاه صنعتی ارومیه

۳- گروه علوم زمین، دانشکده علوم طبیعی، دانشگاه تبریز

(دریافت مقاله: ۹۷/۸/۲۰، نسخه نهایی: ۹۷/۱۲/۴)

چکیده: کانسار آهن کوه‌بابا در ۷۰ کیلومتری جنوب شهر هشترو، استان آذربایجان شرقی، شمال غرب ایران واقع است. این کانسار، از نظر زایشی وابسته به توده‌های نفوذی گابرویی تا دیوریتی است. گابرو- نوریت و پیروکسن هورنبلند گابرو- نوریت سنگ میزبان اصلی کانی‌سازی آهن هستند. دگرسانی‌های گسترده همراه با کانی‌سازی شامل پهنه‌های اکتینولیتی، کلریتی و اپیدوتی است. کانه عمده مگنتیت همراه با مقادیر اندک آپاتیت بوده که به صورت بافت‌های توده‌ای، رگه-رگچه‌ای، جانشینی، برشی و پراکنده است. نتایج تجزیه ریزپردازش الکترونی (EPMA) برای ۲۸ نقطه از بلورهای مگنتیت نشان از مقادیر نسبتاً بالای عناصری چون Al ، Mn ، Ti و V دارد. مقادیر اجزایی مثل TiO_2 ، V_2O_5 و NiO در مگنتیت‌های با بافت توده‌ای بالاتر از مگنتیت‌های با بافت پراکنده و رگچه‌ای است. بررسی میانبارهای سیال اولیه در بلورهای کوارتز همزمان با کانی‌سازی با مگنتیت نشان می‌دهد که میانبارهای سیال به طور عمده از نوع دو فاز $(L+V)$ و گاهی تک فاز گازی هستند. دمای همگن‌شدگی سیال‌های دو فاز $(L+V)$ در گستره ۴۳۶ تا ۵۴۴ (میانگین ۵۰۵) درجه سانتی‌گراد است. بر پایه دماهای نقطه ذوب‌نهایی یخ، متوسط شوری ۱۵/۸۲ درصد وزنی معادل نمک طعام به دست آمد. با توجه به پارامترهای اندازه‌گیری شده چون دمای همگن‌شدگی، شوری، چگالی و فشار میانبارهای سیال، عمق کانه‌سازی مگنتیت در گستره ۱/۳ تا ۲/۷ (میانگین ۲/۳) کیلومتر (بر پایه فشار همه جانبه) برآورد شد. بر اساس یافته‌های EPMA و میانبارهای سیال، کانسنگ‌های آهن کوه‌بابا را می‌توان کانسارهای آهن نوع کایرونا و در زیر رده اکسید آهن- آپاتیت ضعیف رده‌بندی کرد و خاستگاه مگنتیت را می‌توان ماگمایی- گرمایی دما بالا در نظر گرفت.

واژه‌های کلیدی: شیمی کانی مگنتیت؛ میانبارهای سیال؛ کوه‌بابا؛ هشترو؛ ایران.

مقدمه

بررسی شیمی کانی‌هایی چون مگنتیت توسط ریزپردازشگر الکترونی (EPMA) از روش‌های دقیقی است که در شناسایی خاستگاه و تفسیر شرایط فیزیکی‌شیمیایی تشکیل کانسارها استفاده می‌شود. بررسی‌های انجام شده نشان داده است که عناصر فرعی و جزئی در مگنتیت می‌توانند به عنوان یک راهنمای اکتشافی ارزشمند در شناسایی و تعیین خاستگاه

نهشته‌های معدنی استفاده شوند [۱-۵]. مگنتیت می‌تواند دارای طیف گسترده‌ای از عناصر از جمله Ca ، Mn ، Si ، V ، Ti ، Al و Mg باشد [۶]. نوع و مقدار تمرکز عناصر یاد شده در این کانی به عوامل فیزیکی‌شیمیایی تشکیل دهنده مگنتیت مانند دما، گریزندگی اکسیژن و گوگرد، میزان فعالیت سیلیکا (SiO_2) و ترکیب سیال/ مذاب بستگی دارد [۶]. روند توزیع عناصر فرعی و جزئی می‌تواند در تفکیک ماگمایی و یا گرمایی

*نویسنده مسئول، تلفن: ۳۲۹۷۲۱۳۴ (۰۴۴)، نمابر: ۳۲۷۷۶۷۰۷ (۰۴۴)، پست الکترونیکی: majid.hafez@gmail.com

بودن خاستگاه مگنتیت در کانسارهای مختلف کمک شایانی باشد [۲].

بررسی میانبارهای سیال نیز از راه‌های منحصربفرد شناسایی مراحل تشکیل کانی‌سازی‌های فلزی به ویژه آهن محسوب می‌شود. میانبارهای سیال شواهد باقیمانده از سرگذشت تشکیل کانسنگ هنگام به تله افتادن در سنگ میزبان را در اختیار می‌گذارند و از اینرو، امکان بازسازی شرایط فیزیکوشیمیایی تشکیل کانسنگ را فراهم می‌نمایند [۷]. سرانجام، بررسی‌های سنگ‌نگاری و ریزدماسنجی میانبارهای سیال می‌توانند برای تعیین ویژگی‌های سیال کانه‌ساز و چگونگی تکامل کانسارها کمک باشند [۸].

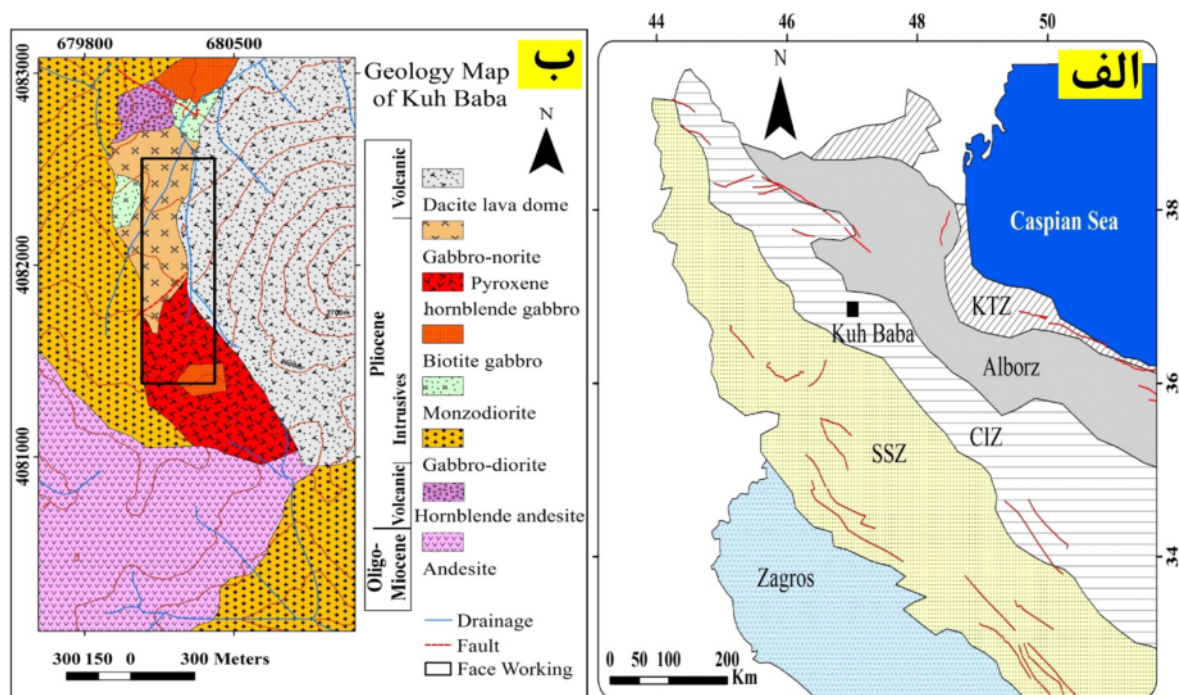
ویژگی‌های زمین‌شناسی، کانی‌سازی و دگرسانی کانسار آهن کوه‌بابا همراه با برداشت‌های مغناطیس‌سنجی به منظور شناسایی عمق و گسترش ماده معدنی پیشتر به تفصیل بررسی شده است [۹، ۱۰]. تاکنون بررسی دقیق و جامعی پیرامون ویژگی‌های شیمی‌کانی و ویژگی‌های میانبارهای سیال وابسته به کانی‌سازی آهن در کوه‌بابا صورت نگرفته است. در این پژوهش، براساس نتایج برآمده از تجزیه کانی مگنتیت به روش ریزپردازش الکترونی همراه با بررسی میانبارهای سیال موجود در کانی کوارتز همزمان کانی‌سازی شده با مگنتیت، اطلاعات جامعی از ماهیت کانی‌سازی، نوع و چگونگی تشکیل کانسار آهن کوه‌بابا ارائه می‌شود.

زمین‌شناسی

کانسار آهن کوه‌بابا، به مختصات جغرافیایی $36^{\circ} 50' 01''$ تا $36^{\circ} 53' 10''$ عرض شمالی و $47^{\circ} 00' 16''$ تا $47^{\circ} 03' 16''$ طول شرقی، در ۷۰ کیلومتری جنوب شهر هشتروند، استان آذربایجان شرقی واقع است. بر اساس تقسیمات پهنه‌های زمین-ساختی ایران [۱۱، ۱۲]، این کانسار بخشی از پهنه زمین-ساختی ایران مرکزی محسوب می‌شود (شکل ۱ الف). از نظر زمین‌شناسی ناحیه‌ای، منطقه مورد بررسی شامل مجموعه‌ای از سنگ‌های دگرگونی و رسوبی پرکامبرین، سنگ‌های دگرگونی پالئوزوئیک، توده‌های نفوذی و آتشفشانی الگئومیوسن، گنبدی‌های گدازه‌ای پلیوسن و نهشته‌های جوان پلیوسن و کواترنری است [۱۳]. رخنمون‌های سنگی موجود در گستره کانسار شامل گدازه‌های آندزیتی پورفیری به سن الگئومیوسن

است که توسط توده‌های نفوذی با ترکیب مافیک تا حدواسط شامل گابرو و مونزودیوریت قطع شده‌اند (شکل ۱ ب). گنبد آندزیتی-داسیتی کوه‌بابا، واحد آتشفشانی آندزیتی و نیز توده-های نفوذی یاد شده را قطع کرده و درون این مجموعه قرار گرفته است [۱۰]. واحد آتشفشانی الگئومیوسن با ترکیب آندزیت در بخش جنوب غربی کانسار کوه‌بابا رخنمون دارند. این واحد دستخوش دگرسانی‌های آرژیلی و پروپلیتی شده است.

توده‌های نفوذی شامل گابرو دیوریت، گابرونوریت، پیروکسن-هورنبلند گابرونوریت، بیوتیت گابرو و مونزودیوریت هستند. (شکل ۱ ب). گابرو دیوریت گسترده‌ترین واحد نفوذی در منطقه کوه‌بابا محسوب می‌شود که دستخوش دگرسانی‌های گرمایی قرار نگرفته است و کانی‌سازی آهن در آن دیده نمی‌شود. رخنمون سطحی این واحد سنگی دارای رنگ سبز روشن تا خاکستری و ساخت توده‌ای است. بافت اصلی آن دانه-ای است. گابرونوریت گسترده‌ترین واحد سنگی وابسته به کانی-سازی در رخنمون‌های سطحی کانسار کوه‌بابا بوده و از نظر رنگ و ساخت، شبیه واحد گابرو دیوریت است. بافت اصلی سنگ، دانه‌ای است اما بافت‌های پوئی‌کلیتیک و ساب افکتیک نیز در آن دیده می‌شوند. بخش مهمی از کانی‌سازی آهن با بافت برشی و توده‌ای در این واحد سنگی رخ داده است (شکل ۱ ب). پیروکسن-هورنبلند گابرو نوریت از نظر گسترش و فراوانی، دومین واحد سنگی مهم وابسته به کانی‌سازی آهن در گستره کانسار کوه‌بابا محسوب می‌شود. این واحد سنگی در رخنمون صحرایی، خاکستری و دارای ساخت توده‌ای است. بافت دانه‌ای بافت اصلی و پوئی‌کلیتیک دیگر بافت قابل مشاهده در این واحد سنگی است. واحد سنگی بیوتیت گابرو گسترش کمی در گستره کانسار کوه‌بابا دارد. رخنمون سطحی این واحد به رنگ خاکستری دیده می‌شود و دارای ساخت توده‌ای است. بافت اصلی دانه‌ای است و بافت پوئی‌کلیتیک نیز در آن دیده می‌شود. مونزودیوریت بخش محدودی از سنگ‌های میزبان کانسار آهن کوه‌بابا را به خود اختصاص می‌دهد. این واحد سنگی دارای رخنمون سطحی خاکستری روشن و ساخت خشن و متراکم است. بافت اصلی آن دانه‌ای است و کانی‌سازی آهن با بافت‌های پراکنده و رگچه‌ای در این واحد سنگی دیده می‌شود.



شکل ۱ (الف) نقشه زمین‌ساختی ساده شده پهنه‌های رسوبی-ساختاری مختلف ایران و موقعیت کانسار آهن کوه‌بابا در آن (برگرفته از مراجع [۱۲،۱۱] با اندکی تغییرات). علائم اختصاری به کار رفته در این شکل عبارتند از: SSZ = پهنه ماگمایی-دگرگونی سنندج-سیرجان، KTZ = پهنه ساختاری خزر-تالش-زیوه و CIZ = پهنه ایران مرکزی، (ب) نقشه زمین‌شناسی کانسار آهن کوه‌بابا (برگرفته از مرجع [۹]). موقعیت سینه کار بر آن نشان داده شده است.

روش بررسی

بررسی‌های کانه‌زایی و دگرسانی‌های گرمایی در کانسار آهن کوه‌بابا بر پایه‌ی پیمایش‌های صحرایی، تهیه نقشه زمین‌شناسی سطحی و مطالعه نمونه‌های زیرسطحی در بخش سینه کار معدن صورت گرفته است. بر این اساس، از بخش‌های مختلف دگرسانی‌های وابسته به کانی‌سازی آهن نمونه‌برداری شد. بررسی‌های کانی‌شناسی و کانه‌نگاری سنگ‌های دگرسان شده و کانسنگ آهن با تهیه و بررسی ۲۵ مقطع نازک-صیقلی توسط میکروسکوپ دوکاره انجام گرفت. سپس، بر اساس نتایج بدست آمده تعداد ۵ نمونه برای تجزیه به روش ریزپردازش الکترونی بر کانی مگنتیت در ۲۸ نقطه توسط دستگاه EPMA مدل SX100 ساخت شرکت کامکای فرانسه در شرایط ولتاژ ۱۵ کیلو ولت، شدت جریان ۲۰ میلی آمپر و با قطر پرتو ۳ تا ۵ میکرون در شرکت فرآوری مواد معدنی کرج انتخاب شد.

در این پژوهش، برای بررسی میانبارهای سیال، تعداد ۵ مقطع دوبر صیقل با ضخامت ۱۰۰ تا ۲۰۰ میکرون از رگه‌های کوارتز مربوط به کانی‌سازی مگنتیت تهیه گردید. اندازه‌گیری‌های ریزدامسنجی بر ۴۰ عدد میانبار سیال با استفاده از دستگاه لینکام مدل THM600 با کنترل کننده گرمایی

TP94 (کنترل‌گر دما برای گرمایش) و سرد کننده نوع LNP نصب شده بر میکروسکوپ زایس، در آزمایشگاه میانبارهای سیال گروه زمین‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است. دستگاه یاد شده با استفاده از ترکیبات استاندارد بین 600°C و 190°C -تنظیم شده و دقت اندازه‌گیری‌های سرمایش و گرمایش در آن حدود ± 0.5 درجه سانتی‌گراد است.

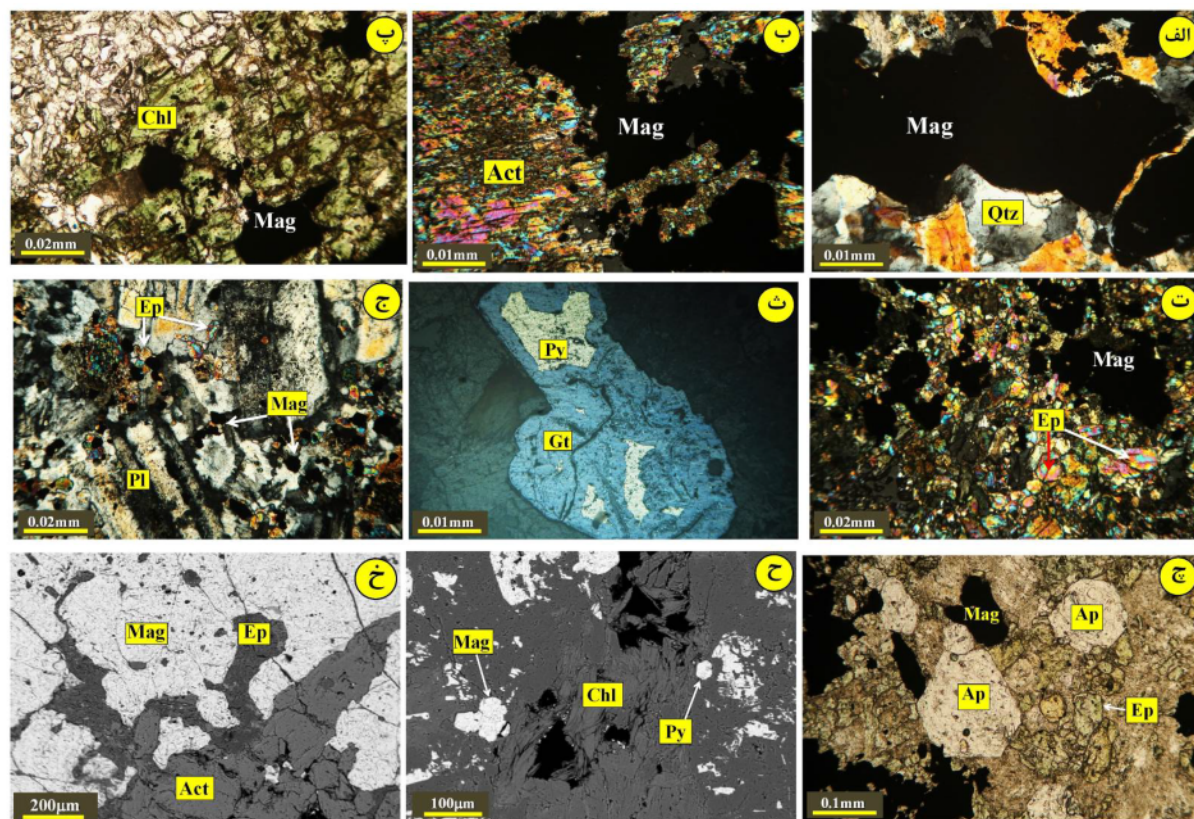
دگرسانی گرمایی و کانی‌سازی آهن

جایگیری ماگمای مافیکی تا حدواسط درون سنگ‌های منطقه و ورود سیال‌های غنی از آهن به این مجموعه سبب ایجاد دگرسانی‌های متنوع شده است که عمده‌ترین آنها عبارتند از دگرسانی‌های پروپلیتی، سریسیتی، سیلیسی، سوسوریتی و آرژیلی. هرکدام از این دگرسانی‌ها به تناسب فاصله از توده اصلی گسترش یافته‌اند. مهم‌ترین دگرسانی دیده شده درون توده نفوذی و در مجاورت آن، دگرسانی اپیدوتی و اکتینولیتی است که همراه با کانی‌سازی آهن به شکل توده‌ای در بخش‌های مرکزی کانی‌سازی یافت می‌شود (شکل ۲ خ). با افزایش فاصله از توده اصلی، دگرسانی‌های کلریتی و سیلیسی نیز به همراه دگرسانی اپیدوتی دیده می‌شوند. دگرسانی کلریتی واحدهای درونگیر مانند گابرو را متاثر کرده و بیشتر همراه با کانی‌سازی

(۲) جانشینی، (۳) رگه- رگچه‌ای، (۴) برشی و (۵) دانه پراکنده همراه است بطوریکه نوع (۱) از بقیه انواع رایج تر است. از مرکز کانی سازی به سمت لبه کانسار، به تدریج از میزان کانی سازی به شکل توده‌ای کاسته شده و بر میزان کانی سازی به صورت رگه- رگچه‌ای افزوده می شود (شکل ۲ الف). مگنتیت های بخش های مرکزی کانی سازی با بافت های غالب توده‌ای و برشی، اغلب همراه با اکتینولیت دیده می شوند (شکل ۲ ب). با دور شدن از مرکز کانی سازی، مگنتیت به صورت توده‌ای و پراکنده به همراه دگرسانی های اکتینولیتی، کلریتی و اپیدوتی مشاهده می گردد (شکل های ۲ ب، پ، ت، ج، خ). همراهی رگچه های مگنتیتی، پیریتی و سیلیسی از دیگر ویژگی های مهم این کانسار محسوب می شود.

پراکنده آهن مشاهده می گردد (شکل ۲ پ). سیال های کانه ساز بر بخش های بالایی سنگ های درونگیر حدواسط اثر گذاشته و موجب دگرسانی سربستی شده اند. با افزایش فاصله از توده های نفوذی و به طرف بخش های سطحی، از شدت دگرسانی های نام برده کاسته شده و در مقابل، بخش به نسبت گسترده ای از رخنمون سنگ های منطقه دستخوش دگرسانی آرژیلی شده است. دگرسانی کربناتی شدن نیز در لبه های کانسار دیده می شود.

کانی سازی آهن بیشتر به صورت مگنتیت رخ داده است. براساس نتایج تجزیه های صورت گرفته بر مغزه های حفاری، تغییرات Fe_T در کانسنگ ها در بازه ای از ۳/۸۵ الی ۶۳/۲۵ درصد وزنی متغیر است [۱۰]. کانی سازی مگنتیت با تشکیل و گسترش پنج نوع بافت (۱) توده ای و پرکننده فضاهای خالی،



شکل ۲ تصاویر میکروسکوپی با نور عبوری، بازتابی و الکترونی پس پراکنده (BSE) از کانی ها، کانه ها و بافت های مختلف کانسار آهن کوه بابا: (الف) مگنتیت رگچه ای به همراه دگرسانی سیلیسی. (ب) دگرسانی اکتینولیتی همراه با کانی سازی که در بخش های درونی کانسار دیده می شود (با XPL)، (پ) دگرسانی کلریتی همراه با کانی سازی پراکنده (با PPL). (ت) دگرسانی اپیدوتی رگچه ای شکل همراه با کانی سازی پراکنده که در بخش های پیرامونی کانسار کوه بابا دیده می شود (با XPL)، (ث) کانه زایی پیریت در حال تبدیل به گوتیت (با بازتابی)، (ج) واحد سنگی دیوریت که دستخوش دگرسانی های اپیدوتی و سربستی شده است و کانی سازی پراکنده مگنتیت در آن دیده می شود (با XPL)، (چ) آپاتیت های همراه با کانی سازی پراکنده مگنتیت و دگرسانی اپیدوتی (با PPL)، (ح) دگرسانی کلریتی همراه با کانی سازی پراکنده پیریت (با BSE). و (خ) دگرسانی های اکتینولیتی و اپیدوتی همراه با کانی سازی مگنتیت (با BSE). علائم اختصاری به کار رفته عبارتند از: کوارتز = Qtz، اپیدوت = Ep، اکتینولیت = Act، مگنتیت = Mag، پیریت = Py، گوتیت = Gt، کلریت = Chl، آپاتیت = Ap و پلاژیوکلاز = Pl [۱۴].

مراحل اولیه کانی‌سازی آهن است که در زمینه سنگ مشاهده می‌شود (شکل ۲ چ). بخش عمده کانی‌های دگرسانی شامل اکتینولیت، اپیدوت، کلریت، کوارتز و سربسیت مربوط به مرحله نخست کانی‌سازی هستند. مگنتیت نیز در مرحله نخست کانی‌سازی شکل گرفته است که در بخش درونی کانسار به صورت بافت‌های توده‌ای و برشی دیده می‌شود. در ادامه با ورود محلول‌های کانه‌ساز به درون سنگ میزبان، مگنتیت به همراه هماتیت در دمای پایین‌تر در قالب رگه - رگچه و نیز به صورت پراکنده در زمینه سنگ درون‌گیر شکل گرفته است. اکتینولیت‌های پاراخاستگاه با مگنتیت، درشت بلور بوده و خود شکل هستند اما اکتینولیت‌های برآمده از دگرسانی پیروکسن دانه ریزتر و بی‌شکل هستند و در مراحل پایانی کانی‌سازی آهن تشکیل شده‌اند. پیریت نیز با فراوانی اندک طی مرحله تأخیری گرمایی و اغلب همراه با رگه‌های سیلیسی به وجود آمده است. کانی‌های هماتیت، گوتیت و کانی‌های رسی نیز مربوط به مرحله برونزادی هستند و به ترتیب از تبدیل کانی‌های مگنتیت، پیریت و فلدسپات شکل گرفته‌اند (شکل ۳).

افزون بر موارد یاد شده، نفوذ ماگما به درون سنگ‌های منطقه باعث خردشدگی شدید و ایجاد بافت برشی در کانسنگ‌های دربردارنده مگنتیت در بخشی از گستره کانسار شده است. همچنین، با کاهش شدت کانی‌سازی و افزایش فاصله از بخش اصلی ذخیره کانسار، بافت پراکنده دیده می‌شود که حجم اندکی از کانی‌سازی مگنتیت را به خود اختصاص داده است (شکل‌های ۲ و ج). کانی دیگری که با حجم بسیار کمتر نسبت به مگنتیت در منطقه دیده می‌شود، پیریت است. این کانی به صورت دانه‌ریز و پراکنده در لبه یا زمینه‌ای از کانی‌های دیگر و نیز به صورت رگه‌ای همراه با مگنتیت قابل مشاهده است و دگرسانی کلریتی آن را همراهی می‌کند (شکل‌های ۲ ث و ح). این کانی گاهی از لبه‌ها در حال تبدیل شدن به گوتیت است (شکل ۲ ث).

توالی همبری کانی‌ها و کانه‌ها

کانی‌های فلدسپار، کلینوپیروکسن و هورنبلند در مرحله پیش از کانی‌سازی مگنتیت و در سنگ میزبان دیده می‌شوند. کانی آپاتیت نیز با فراوانی کم مربوط به مراحل پیش از کانی‌سازی تا

Minerals	Pre-mineralization	Hydrothermal stage		Weathering
		Early stage	Late stage	
Feldspar	=====			
Clinopyroxene	=====			
Hornblende	=====			
Biotite	=====	-----		
Apatite	-----			
Magnetite		=====		
Pyrite			=====	
Chalcopyrite			-----	
Actinolite		=====	=====	
Quartz		=====	=====	
Chlorite		=====		
Epidote		=====	=====	
Carbonates			-----	
Sericite		=====		
Hematite			=====	
Goethite				-----
Clay minerals				=====

شکل ۳ توالی همبری کانی‌ها و کانه‌ها در کانسار آهن کوه‌بابا.

نتایج و بحث

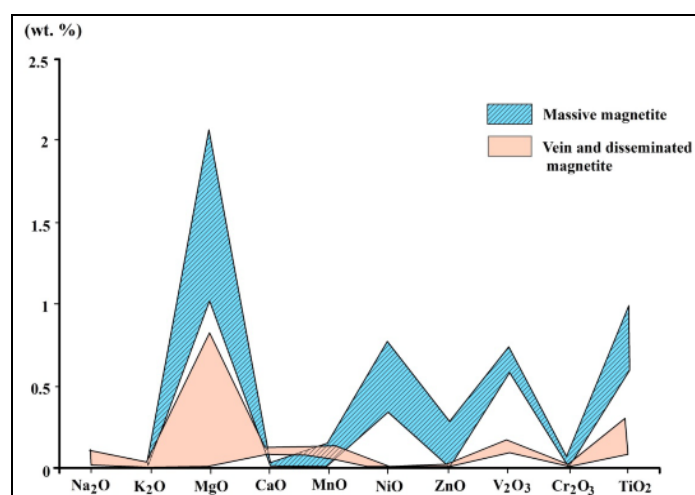
بررسی‌های شیمی کانی مگنتیت

در این پژوهش ترکیب شیمی کانی مگنتیت به صورت‌های توده‌ای، رگچه‌ای و پراکنده با استفاده از تجزیه به روش ریزپردازش الکترونی (EPMA)، بررسی شده است. نتایج بدست آمده (جدول ۱، شکل ۴) نشان از حضور عناصری چون Al، V، Mg و Mn در ساختار بلورهای مگنتیت کانسار کوه‌بابا دارند. غلظت Fe_{Total} در مگنتیت‌های مورد بررسی در گستره ۶۳/۹۴ تا ۷۰/۹۷ درصد وزنی در تغییر است. مگنتیت‌های با بافت توده‌ای که نزدیک به مرکز کانی‌سازی شکل گرفته‌اند، شامل مقادیر بالاتری از MgO (تا ۲/۰۵ درصد وزنی)، TiO_2

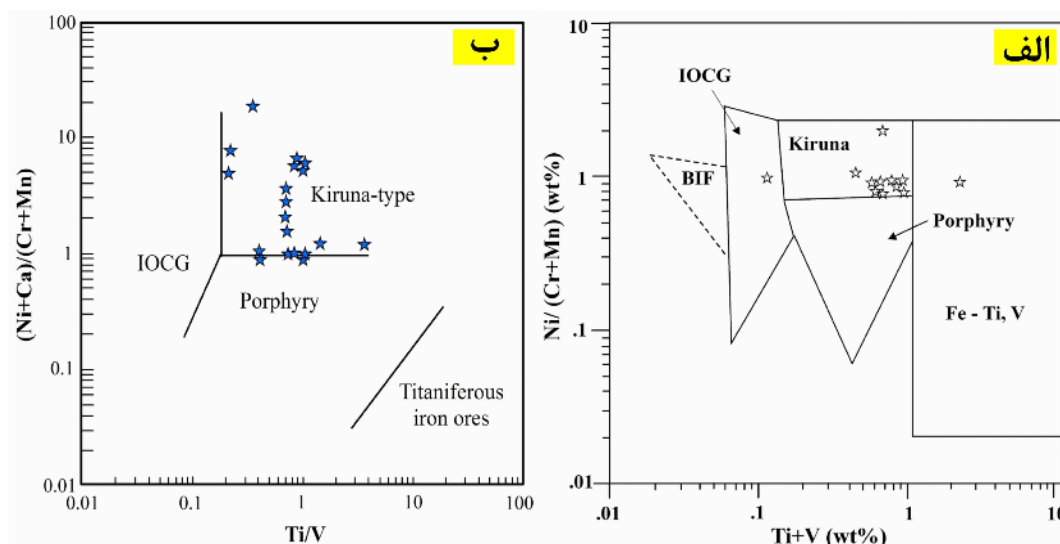
(تا ۰/۹۶ درصد وزنی)، NiO (تا ۰/۹۱ درصد وزنی) و V_2O_5 (تا ۰/۷۲ درصد وزنی) نسبت به مگنتیت‌های لبه‌ای با بافت پراکنده و رگچه‌ای هستند. مقادیر NiO و TiO_2 در مگنتیت‌های با بافت‌های پراکنده و رگچه‌ای بسیار کمتر از مگنتیت‌های با بافت توده‌ای است. مقدار MnO در هر دو نوع مگنتیت تقریباً مشابه است (شکل ۴). نمودارهای دو متغیره $Ni/(Cr+Mn)$ نسبت به $Ti+V$ [۱۵] (شکل ۵ الف) و $(Ni+Ca)/(Cr+Mn)$ نسبت به Ti/V [۱۶] (شکل ۵ ب) نشان می‌دهند که کانسار آهن کوه‌بابا را می‌توان در رده کانسارهای آهن نوع کایرونا و از نوع اکسید آهن-آپاتیت ضعیف در نظر گرفت.

جدول ۱ نتایج تجزیه EPMA از ۲۸ نقطه از مگنتیت‌های کانسار آهن کوه‌بابا (بر حسب درصد وزنی).

شماره نمونه	شماره نقطه	SiO ₂	TiO ₂	Al ₂ O ₃	Cr ₂ O ₃	V ₂ O ₅	FeO	Fe ₂ O ₃	MnO	MgO	ZnO	CaO	Na ₂ O	K ₂ O	P ₂ O ₅	NiO	مجموع
K-111	۱	۰/۷۷	۰/۶۵	۰/۹۴	۰/۰۴	۰/۶۴	۳۰/۳۲	۶۰/۱۶	۰/۰۳	۱/۰۲	۰	۰/۰۳	۰	۰	۰	۰/۳۵	۹۴/۹۵
	۲	۰/۴۸	۰/۷۵	۱/۶۵	۰/۰۵	۰/۶۱	۳۰/۵۴	۶۰/۶۶	۰/۰۹	۲/۰۵	۰/۲۷	۰	۰	۰	۰/۰۱	۰/۷۶	۹۷/۹۲
	۳	۱/۱۲	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۰۲	۰/۶۸	۳۰/۹۴	۶۱/۵۶	۰/۰۴	۰/۴۷	۰/۰۷	۰/۱۱	۰	۰	۰/۰۶	۰/۹۱	۹۶/۶۳
	۷	۰/۷۳	۰/۶۹	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۶۳	۳۰/۴۰	۶۰/۳۶	۰/۰۶	۰/۷۴	۰/۰۸	۰/۱۹	۰	۰	۰/۰۵	۰/۶۴	۹۵/۲۲
	۸	۰/۸۵	۰/۵۴	۰/۴۶	۰/۰۶	۰/۶۵	۳۱/۱۶	۶۲/۰۴	۰/۰۷	۰/۶۲	۰/۰۹	۰/۱	۰/۰۸	۰	۰/۰۱	۰/۲۶	۹۶/۹۹
	۱۱	۰/۲۶	۰/۲۸	۰/۴۱	۰/۰۴	۰/۵۹	۳۱/۰۷	۶۱/۸۴	۰/۰۵	۰/۳۷	۰	۰/۰۹	۰	۰	۰	۰	۹۵/۰۰
K-100	۱۴	۰/۱۳	۰/۰۶	۲/۰۶	۰/۰۴	۰/۶۹	۳۱/۳۲	۶۲/۴۰	۰/۰۶	۱/۱۹	۰	۰/۰۱	۰	۰	۰	۰/۳۴	۹۹/۳۸
	۱۵	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۳۷	۰/۰۵	۰/۶۸	۳۲/۲۵	۶۴/۴۵	۰/۰۳	۰/۳۷	۰	۰/۰۱	۰	۰	۰	۰/۳۹	۹۸/۸۶
	۱۶	۰/۰۲	۰/۱۹	۰/۳۲	۰/۰۲	۰/۶۷	۳۱/۹۴	۶۳/۷۸	۰/۰۴	۰/۳۴	۰	۰/۰۶	۰	۰	۰	۰/۳۹	۹۷/۹۵
	۱۹	۰/۹۵	۰/۳۶	۰/۳۴	۰/۰۳	۰/۶۴	۳۱/۲۲	۶۲/۱۷	۰/۰۳	۰/۴۸	۰/۱۱	۰/۰۱	۰	۰/۰۲	۰	۰	۹۶/۳۶
	۲۰	۰/۰۷	۰/۹۶	۱/۹۷	۰/۰۴	۰/۷۲	۳۱/۱۲	۶۱/۹۵	۰/۱۴	۱/۰۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹۸/۶۷
Kh-54	۱	۰/۸۸	۰/۱۲	۰/۲۲	۰	۰/۱۵	۳۲/۲۳	۶۴/۴۲	۰/۱۸	۱/۲۲	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۰۱	۰/۰۲	۰	۰/۱۶	۹۹/۸۳
	۲	۰/۳۷	۰/۱۵	۰/۲۳	۰	۰/۰۹	۳۲/۲۸	۶۴/۵۳	۰/۱۸	۱/۱۵	۰	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۱	۰	۰	۹۹/۰۹
	۳	۱/۰۱	۰/۱۶	۰/۲۹	۰	۰/۱۳	۳۲/۲۵	۶۴/۴۶	۰/۱۷	۱/۴۶	۰	۰/۱۷	۰/۱۲	۰	۰	۰	۱۰۰/۲۲
	۷	۰/۶۲	۰/۱۴	۰/۲۵	۰	۰/۱۵	۳۲/۳۳	۶۴/۶۴	۰/۰۹	۰/۸۲	۰	۰/۱	۰/۰۵	۰	۰	۰	۹۹/۱۹
	۹	۱/۹۱	۰/۰۸	۰/۲۴	۰	۰/۰۹	۳۱/۳۲	۶۲/۳۹	۰/۰۵	۰/۵۴	۰	۰/۱۱	۰/۰۵	۰	۰	۰	۹۶/۷۸
K-43	۱۹	۰/۱۲	۰/۲۶	۰/۷۲	۰	۰/۱۸	۳۲/۲۸	۶۴/۵۳	۰/۰۹	۰/۰۸	۰	۰/۰۴	۰	۰	۰	۰	۹۸/۳۰
	۲۰	۰/۰۹	۰/۱۶	۰/۰۵	۰	۰/۱۶	۳۲/۵۲	۶۵/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۱	۰	۰/۰۸	۰	۰/۰۱	۰	۰	۹۸/۶۵
	۲۱	۰/۴۱	۰/۰۳	۰/۵۴	۰	۰/۱۵	۳۱/۸۴	۶۳/۵۶	۰/۱۱	۰/۱۴	۰	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۱	۰	۰	۹۷/۲۶
	۲۶	۰/۱۳	۰/۰۳	۱/۳۷	۰/۰۷	۰/۵۷	۳۲/۵۲	۶۵/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۲	۰	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۰۱	۰	۰	۱۰۰/۳۷
	۲۷	۰/۱۲	۰/۳۳	۰/۰۷	۰	۰/۱۸	۳۲/۷۵	۶۵/۵۶	۰/۱۱	۰/۰۹	۰	۰/۰۱	۰	۰	۰	۰/۱۴	۹۹/۹۹
	۲۸	۰/۱۸	۰/۴۶	۰/۹۵	۰	۰/۲۱	۳۱/۷۳	۶۳/۳۱	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۲۴	۰/۱۱	۰/۰۸	۰	۰	۰	۹۷/۵۶
Kh-28	۵	۰/۱۲	۰/۳۲	۱/۷۵	۰	۰/۶۱	۳۱/۱۱	۶۱/۹۳	۰	۰/۹۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹۶/۷۵
	۶	۰/۰۶	۰/۷۹	۱/۱۵	۰	۰/۶۹	۳۲/۸۹	۶۵/۸۹	۰	۱/۰۵	۰/۲۸	۰	۰	۰	۰	۰/۰۳	۱۰۳/۱۰
	۷	۰/۱۴	۰/۳۶	۰/۴۲	۰	۰/۶۱	۳۲/۲۱	۶۴/۳۷	۰	۰/۴	۰/۱۲	۰	۰	۰	۰	۰	۹۸/۶۳
	۱۳	۰/۷۲	۰/۴۸	۰/۶۲	۰	۰/۵۹	۳۱/۵۱	۶۲/۸۱	۰	۰/۲۲	۰	۰/۱۱	۰	۰	۰	۰/۲۱	۹۷/۲۷
	۱۴	۰/۶۲	۰/۵۴	۰/۴۹	۰/۰۷	۰/۴۷	۲۹/۸۵	۵۹/۱۳	۰	۰/۲۳	۰/۲۱	۰/۲۳	۰	۰	۰	۰/۱۵	۹۱/۹۹
	۱۵	۰/۶۳	۰/۶۷	۲/۰۲	۰	۰/۶۵	۳۰/۴۹	۶۰/۵۶	۰/۲۷	۰/۷۹	۰	۰/۰۸	۰/۰۸	۰	۰	۰/۲۴	۹۶/۶۶



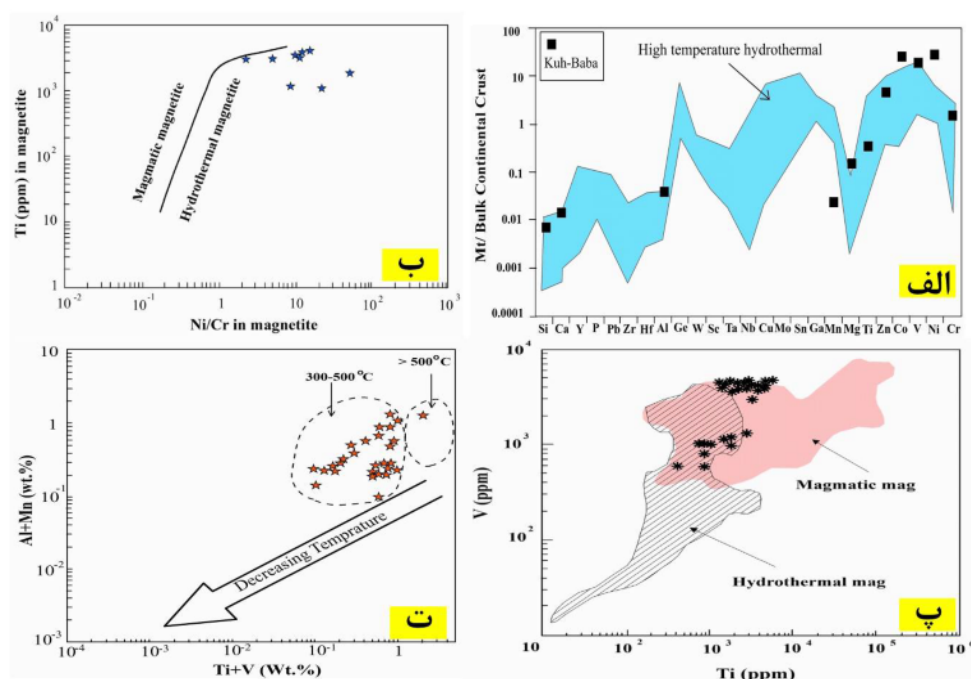
شکل ۴ مقایسه نتایج تجزیه EPMA مگنتیت‌های توده‌ای با مگنتیت‌های پراکنده و رگچه‌ای در کانسار آهن کوه‌بابا.



شکل ۵ (الف) نمودار $Ni/(Cr+Mn)$ نسبت به $Ti+V$ که مگنتیت‌های مورد بررسی از کانسار کوه‌بابا را بیشتر در موقعیت ذخایر نوع کایرونا نشان می‌دهد [۱۵] و (ب) نتایج تجزیه مگنتیت‌های کانسار آهن کوه‌بابا در نمودار $(Ni+Ca)/(Cr+Mn)$ نسبت به Ti/V که در اینجا نیز اغلب نمونه‌ها در بخش کانسارهای نوع کایرونا قرار گرفته‌اند [۱۶].

گرمایی قرار می‌گیرند (شکل ۶ پ). نمودار دو متغیره $(Ti+V)$ نسبت به $(Al+Mn)$ [۳] نشان می‌دهد که مگنتیت‌های کانسار کوه‌بابا بیشتر در گستره دمایی ۳۰۰ تا ۵۰۰ درجه سانتی‌گراد ایجاد شده‌اند (شکل ۶ ت). از آنجا که خاستگاه کانسارهای آهن نوع کایرونا یا IOA می‌توانند ماگمایی-گرمایی باشند [۲۰، ۲۱]، براساس نمودارهای استفاده شده (شکل‌های ۶ الف-ت) می‌توان گفت که کانسار آهن کوه‌بابا بیشترین شباهت را به کانسارهای نوع کایرونا (از نوع اکسید آهن-آپاتیت ضعیف) دارد و خاستگاه مگنتیت‌ها را می‌توان ماگمایی-گرمایی دما بالا در نظر گرفت.

مقایسه میانگین برخی عناصر فرعی و جزئی موجود در مگنتیت‌های کانسار کوه‌بابا با مقدار میانگین این عناصر در مگنتیت‌های کانسارهای گرمایی دما بالا [۲] نشان می‌دهد که الگوی توزیع عناصر در مگنتیت‌های کوه‌بابا بسیار شبیه با کانسارهای گرمایی دما بالاست (شکل ۶ الف). براساس نمودار دو متغیره Ti در برابر Ni/Cr [۱۷]، مگنتیت‌های کانسار کوه‌بابا از نوع گرمایی هستند (شکل ۶ ب). رسم مقادیر Ti و V مگنتیت‌های مورد بررسی در نمودار دو متغیره $Ti-V$ [۱۸، ۱۹] نشان می‌دهد که مگنتیت‌های کانسار کوه‌بابا در گستره ماگمایی و بخشی دیگر در گستره مشترک ماگمایی و



شکل ۶ (الف) نمودار چند عنصری [۲] که در آن گستره مگنتیت های گرمایی دما بالا نشان داده شده و اغلب نمونه های مورد بررسی در این گستره قرار می گیرند، (ب) نمودار دو متغیره Ti نسبت به Ni/Cr [۱۷] برای تفکیک محیط های ماگمایی از گرمایی، (پ) نمودار دو متغیره V نسبت به Ti [۱۹] برای تفکیک مگنتیت های ماگمایی از گرمایی. بر اساس نتایج EPMA، مگنتیت های کانسار آهن کوه بابا در گستره ماگمایی و گستره مشترک ماگمایی-گرمایی رسم می شوند و (ت) نمودار دو متغیره Ti+V نسبت به Al+Mn [۳] که نشان دهنده دمای تشکیل ۳۰۰ تا ۵۰۰ درجه سانتی گراد برای مگنتیت هاست.

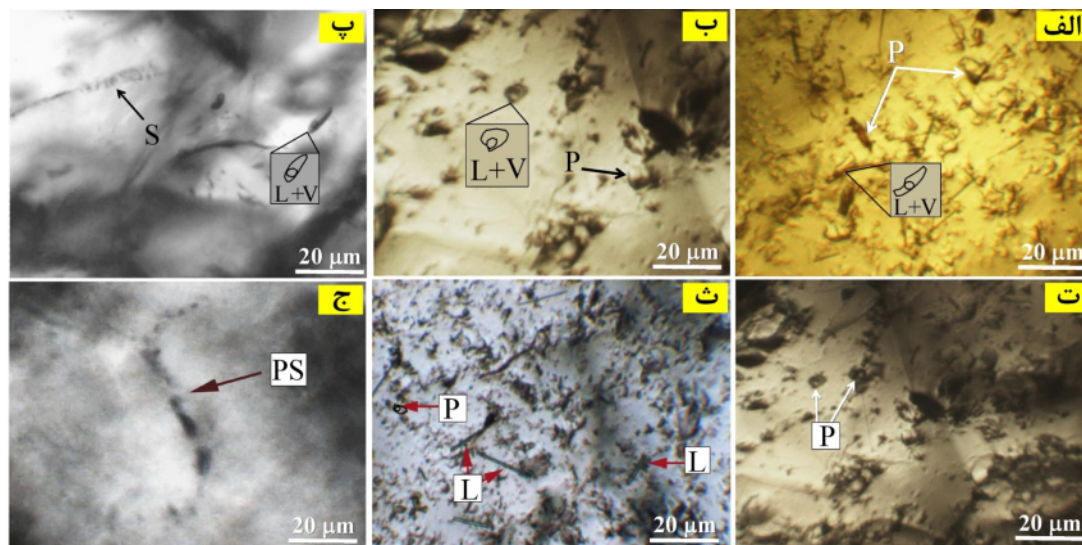
بررسی میانبارهای سیال

نتایج سنگ نگاری: بررسی های ریزدماسنجی میانبارهای سیال در کانسار آهن کوه بابا بر کانی کوارتز همزمان کانی سازی شده با مگنتیت صورت گرفت. از نظر ظاهری، میانبارهای سیال مورد بررسی به شکل های گرد، مثلثی و میله ای دیده می شوند و اندازه های متغیر از ۳ تا ۱۴ میکرون دارند (شکل ۷). از نظر زمانی، در بلورهای کوارتز سه نوع میانبار سیال اولیه (P)، ثانویه (S) و ثانویه کاذب (PS) تشخیص داده شدند. بر اساس محتوای فازی موجود [۸]، سه نوع میانبار سیال اولیه در نمونه های برداشت شده قابل تشخیص هستند که عبارتند از: (الف) دو فازی مایع-گاز غنی از مایع (L+V): که این نوع میانبارها نسبت به بقیه انواع فراوانی بیشتری دارند و به فاز مایع همگن می شوند و فاز مایع آنها نسبت به فاز حباب غالب است. نسبت

V/L در آنها از ۱۰ تا ۱۵ درصد در تغییر است. (ب) میانبارهای سیال تک فاز گازی (V) و (پ) میانبارهای سیال سه فازی مایع-گاز-کانی تیره (L+V+S): که این نوع تنها در یک نمونه دیده شد که در آن فاز نوزاد جامد از نوع اکسید آهن است. میانبارهای سیال ثانویه بیشتر در ترک ها و شکستگی های بسیار ریز که سطوح بلورهای میزبان را قطع نموده اند گسترش یافته اند (شکل ۷ پ)، در حالی که میانبارهای ثانویه کاذب در ترک های بسیار ریزی که فقط درون بلورهای میزبان محصور شده اند قابل تشخیص هستند (شکل ۷ ج). همه میانبارهای سیال دوفازی به فاز مایع همگن شده اند. بررسی های ریزدماسنجی و تعیین مقدار شوری میانبارهای سیال همه بر این نوع سیال ها انجام گرفته است (جدول ۲) و (شکل های ۷ الف تا ث).

جدول ۲ داده های ریزدماسنجی میانبارهای سیال اولیه از کانی کوارتز در کانسار آهن کوه بابا.

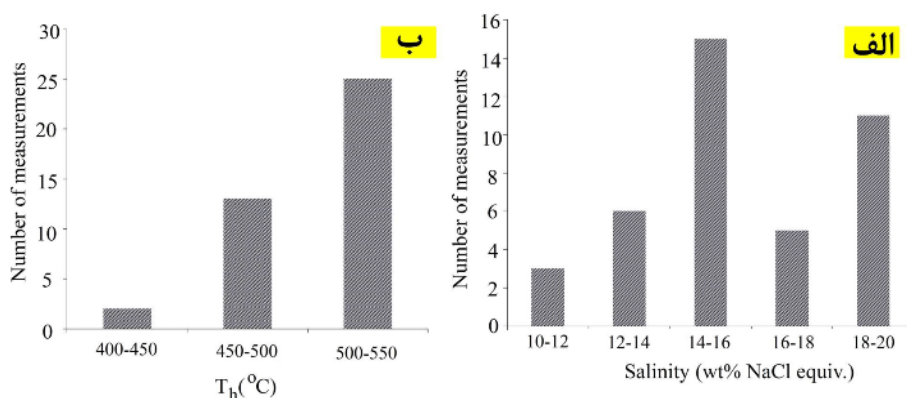
شماره نمونه	فازها	$T_h (^{\circ}C)$	$T_{fm} (^{\circ}C)$	$T_{m\ ice} (^{\circ}C)$	شوری (wt % NaCl eqv.)	چگالی (gr.cm ³)
18A (1-8)	L+V	۴۳۶-۵۴۴	(-۵۴٫۷) تا (-۵۴)	(-۱۴٫۸) تا (-۱۴٫۷)	۱۷٫۶۱-۱۸٫۳۸	۰٫۵۴۷ - ۰٫۷۲۷
18B (1-8)	L+V	۵۲۵-۵۳۹	(-۵۳٫۷) تا (-۵۳)	(-۱۵٫۳) تا (-۱۵٫۸)	۱۸٫۸۸-۱۹٫۳۱	۰٫۵۷۶ - ۰٫۶۰۵
18C (1-8)	L+V	۴۸۳-۵۰۸	(-۵۳٫۱) تا (-۵۳٫۷)	(-۱۰٫۷) تا (-۱۰)	۱۳٫۹۴-۱۴٫۶۷	۰٫۵۳۹ - ۰٫۵۸۷
18D (1-8)	L+V	۵۰۲-۵۱۶	(-۵۳٫۷) تا (-۵۳)	(-۱۱٫۹) تا (-۱۱)	۱۵٫۰۷-۱۵٫۹۷	۰٫۵۴۱ - ۰٫۵۶۹
18E (1-8)	L+V	۴۷۳-۴۹۰	(-۵۳٫۷) تا (-۵۳٫۱)	(-۸٫۹) تا (-۷٫۹)	۱۱٫۵۸-۱۲٫۷۳	۰٫۵۲۸ - ۰٫۵۵۳



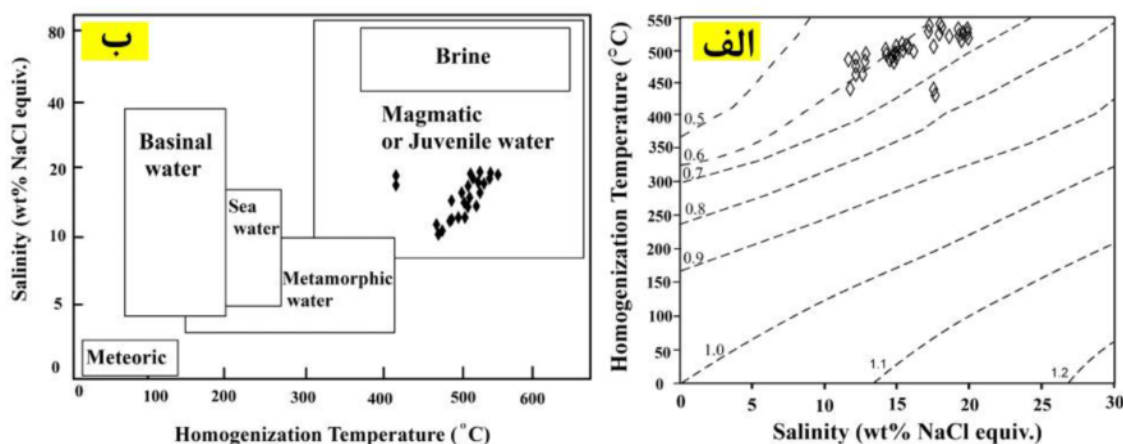
شکل ۷ انواع میانبارهای سیال دیده شده در کانی کوارتز کانسار آهن کوه‌بابا: (الف) میانبارهای سیال اولیه دو فاز (L+V) و تک فاز (V)، (ب) میانبارهای سیال دو فاز (L+V)، (پ) میانبارهای سیال دو فاز و میانبارهای سیال ثانویه که در نمونه‌های مورد بررسی بسیار دیده می‌شوند، (ت) میانبارهای سیال دو فاز کوچکتر از ۵ میکرون، (ث) میانبارهای سیال تک فاز (L) که به شکل میله‌ای دیده می‌شوند؛ (ج) میانبار سیال ثانویه کاذب که به شکل S مانند دیده می‌شود.

احتمال زیاد آب‌های ماگمایی (Juvenile water) بوده است. با وجود مشاهده چند میانبار سیال تک فاز گازی، یافته‌های ریزدماسنجی دیگر و یا شواهد ساختی، بافتی، و کانی‌شناسی که نشانگر فرآیند جوشش باشند در کانسنگ‌های مورد بررسی دیده نشدند. با توجه به این امر، باید در نظر گرفت که سیال‌های کانه‌دار در هنگام نهشت کانسنگ‌ها فشار همه جانبه را تجربه می‌کرده‌اند. با توجه به چگالی به دست آمده و اعمال آن در نمودار چگالی سیال نسبت به دمای همگن‌شدگی و هم‌چنین با در نظر گرفتن مقادیر شوری، می‌توان کمترین فشار سیال را به دست آورد [۲۵]. از آنجا که دماهای همگن‌شدگی برای میانبارهای سیال مورد بررسی از ۴۳۶ تا ۵۴۴ (میانگین ۵۰۵) درجه سانتی‌گراد تغییر می‌کنند، فشارهای محاسبه شده در گستره ۳۴۰ تا ۶۸۰ (میانگین ۵۸۰) بار متغیر هستند (شکل ۱۰ الف). با توجه به فشارهای همه جانبه به دست آمده و بر پایه فشار سیال کانه‌ساز نسبت به دمای همگن‌شدگی [۲۶]، عمق‌های کانی‌سازی مگنتیت در کوه‌بابا در گستره ۱٫۳ تا ۲٫۷ (میانگین ۲٫۳) کیلومتر از سطح زمین برآورد شدند (شکل ۱۰ ب). سازوکار اصلی کانی‌سازی که باعث تغییر در شرایط سیال کانه‌دار و ناپایداری کمپلکس‌های آهن‌دار شده را می‌توان از نمودار دو متغیره شوری نسبت به دمای همگن‌شدگی (شکل ۱۱) بدست آورد. با توجه به روند تکاملی سیال کانه‌دار در این نمودار، کاهش دما و احتمالاً دخالت آب‌های جوی با شوری بسیار پایین عامل کانی‌سازی در کانسار آهن کوه‌بابا بوده است.

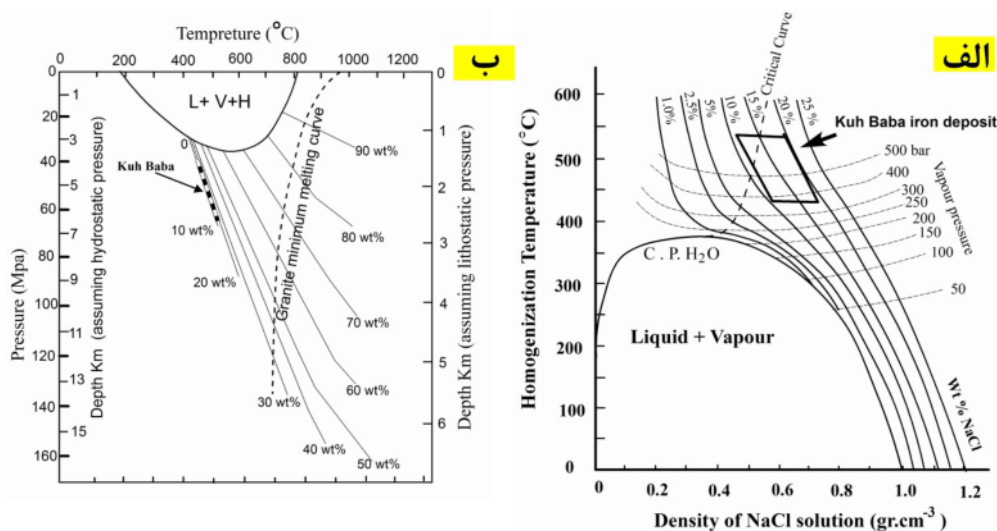
نتایج ریزدماسنجی: برای تعیین شوری، از شیوه عمل سرمایش یعنی منجمد کردن سریع و سپس گرم کردن آهسته میانبارهای سیال، استفاده شد. طی این عمل ابتدا دمای نخستین نقطه ذوب (نقطه همگدازی، T_{Fm}) و سپس دمای ذوب نهایی یخ (T_M) به دست آمدند. از آنجا که مقادیر T_{Fm} به دست آمده در گستره ۵۳- تا ۵۴- درجه سانتی‌گراد هستند، می‌توان نتیجه گرفت که سیال‌های کانه‌ساز بدون شک افزون بر NaCl مقداری $CaCl_2$ داشته‌اند. مقادیر T_M بدست آمده در گستره ۱۵٫۸- تا ۷٫۹- درجه سانتی‌گراد هستند (جدول ۲) که با توجه به معادله بودنار [۲۲] اشاره به شوری‌هایی در گستره ۱۱٫۵۸ الی ۱۹٫۳۱ درصد وزنی معادل نمک طعام دارند. بیشترین فراوانی شوری مربوط به گستره ۱۴ تا ۱۶ درصد وزنی معادل نمک طعام است (شکل ۸ الف). برای تعیین دماهای همگن‌شدگی، با توجه به پژوهش گلدشتاین و رینولدز [۲۳]، نمونه‌ها تا ۵۵۰ درجه سانتی‌گراد گرم شدند. همه سیال‌های مورد بررسی طی گرمایش به فاز مایع همگن شدند. دمای همگن‌شدگی برای میانبارهای سیال مورد بررسی از ۴۳۶ تا ۵۴۴ درجه سانتی‌گراد متغیر بوده (جدول ۲) و بیشترین فراوانی دمای همگن‌شدگی مربوط به گستره دمایی ۵۰۰ تا ۵۵۰ درجه سانتی‌گراد است (جدول ۲ و شکل ۸ ب). بر اساس شکل ۹ الف، چگالی میانبارهای سیال دوفازی غنی از مایع از ۰٫۵۷ تا ۰٫۷۵ گرم بر سانتی‌متر مکعب تغییر می‌کند. با توجه به شکل ۹ ب [۲۴]، عامل تشکیل رگه‌های سیلیسی-مگنتیتی که بررسی میانبارهای سیال بر آنها صورت گرفته است، به



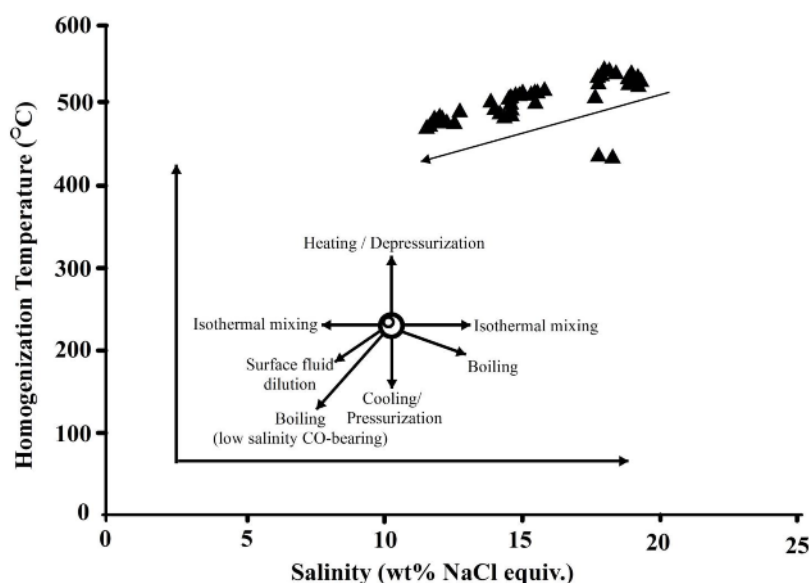
شکل ۸ (الف) نمودار دمای همگن شدگی مربوط به میانبارهای سیال در کانی سازی آهن کانسار کوه بابا با بیشترین فراوانی دمایی در گستره ۵۰۰ تا ۵۵۰ درجه سانتی گراد و (ب) نمودار شوری میانبارهای سیال بر حسب درصد وزنی با بیشترین فراوانی در گستره ۱۴ تا ۱۶ درصد وزنی معادل نمک طعام.



شکل ۹ (الف) روند تغییرات چگالی، شوری و دمای همگن شدگی سیال های گرمایی با فرایندهای وابسته به کانسار آهن کوه بابا [۷] و (ب) نمودار دمای همگن شدگی نسبت به شوری برای تعیین خاستگاه سیال کانه ساز در کانسار آهن کوه بابا [۲۴]. بر این اساس، آب های ماگمایی خاستگاه سیال های کانه ساز آهن در این کانسار بوده اند.



شکل ۱۰ (الف) نمودار دما-چگالی با اعمال شوری برای تعیین مقدار فشار سیال که بین ۳۶۰ تا بیش از ۵۰۰ بار است [۲۵] و (ب) نمودار فشار نسبت به دمای همگن شدگی میانبارهای سیال برای محاسبه عمق کانی سازی [۲۶] (L = مایع، V = گاز، H = نمک طعام، 1Mpa = 10 bars). خطوط پربندی ممتد درصد وزنی نمک طعام حل شده پایدار در بخش مایع سیال درگیر را نشان می دهند.



شکل ۱۱ روندهای مختلف تکامل سیال در نمودار دمای همگن‌شدگی شوری [۷]. بر اساس این نمودار، عامل اصلی کانی‌سازی آهن در کانسار کوه‌بابا به احتمال زیاد کاهش دما و ترکیب شدن با آب‌های جوی بوده است.

برداشت

مهمترین نتایج این پژوهش عبارتند از:

۱- مگنتیت‌های شکل گرفته در بخش‌های مرکزی کانسار کوه‌بابا دارای بافت توده‌ای و مقادیر نسبتاً بالاتری از TiO_2 , MgO , NiO و V_2O_3 نسبت به مگنتیت‌های بخش‌های پیرامونی کانسار هستند که بافت‌های پراکنده و رگچه‌ای از خود نشان می‌دهند.

۲- بر اساس نمودارهای دو متغیره Ni/Cr-Ti و Ti-V و هم-چنین نمودار توزیع عناصر فرعی و جزئی در کانی مگنتیت، خاستگاه مگنتیت‌های کانسار آهن کوه‌بابا ماگمایی تا گرمایی دما بالا ارزیابی شده است. هم‌چنین، با توجه به نمودارهای تفکیکی استفاده شده، کانسار آهن کوه‌بابا را می‌توان در رده کانسارهای آهن کایرونا نوع اکسید آهن-آپاتیت ضعیف در نظر گرفت.

۳- بیشتر میانبارهای سیال مورد بررسی در کانی کوارتز موجود در کانسنگ‌های آهن کوه‌بابا از نوع دوفازی غنی از مایع هستند و دمای همگن‌شدگی آنها از ۴۳۶ تا ۵۴۴ درجه سانتی‌گراد و شوری آنها از ۱۱/۵۸ تا ۱۹/۳۱ درصد وزنی معادل نمک طعام در تغییر است.

۴- بر پایه محاسبه چگالی و فشار میانبارهای سیال، عمق کانی‌سازی آهن در کانسار آهن کوه‌بابا در گستره ۱/۳ تا ۲/۷ کیلومتر (میانگین ۲/۳ کیلومتر) برآورد شد.

۵- بررسی میانبارهای سیال نشان می‌دهد که کانسار آهن کوه‌بابا از آب‌های ماگمایی ناشی شده و کاهش دما و آمیختگی با آب‌های جوی عامل اصلی کانی‌سازی آهن در آن بوده است.

قدردانی

نگارندگان مقاله از حمایت‌های مالی معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه ارومیه، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) و شرکت سنگ آهن کوه‌بابا برخوردار بوده‌اند، که بدین‌وسیله نهایت سپاس و قدردانی خود را از مسؤولین مربوطه اعلام می‌دارند. نگارندگان همچنین از نظرات و پیشنهادات سازنده داوران محترم مجله سپاسگزاری می‌نمایند.

مراجع

- [1] Dare S. A. S., Barnes S. J., Beaudoin G., "Variation in trace element content of magnetite crystallized from a fractionating sulfide liquid, Sudbury, Canada: Implications for provenance discrimination", *Geochimica et Cosmochimica Acta* 88 (2012) 27-50.
- [2] Dare S. A. S., Barnes S. J., Beaudoin G., Méric J., Boutroy E., Potvin-Doucet C., "Trace elements in magnetite as petrogenetic indicators", *Mineralium Deposita* 49 (2014) 785-796.
- [3] Nadoll P., Angerer T., Mauk J. L., French D., Walshe J., "The chemistry of hydrothermal

- to mineral exploration, in Andrew, C.J. ed., *Digging Deeper*", Proceedings of the Ninth Biennial SGA Meeting, Dublin 1 (2007) 497-500.
- [17] Dare S. A. S., Barnes S., Beaudoin G., "Did the massive magnetite "lava flows" of El Laco (Chile) form by magmatic or hydrothermal processes? New constraints from magnetite composition by LA-ICP-MS", *Mineral Deposita* 50 (2014) 607-617.
- [18] Nadoll P., Mauk J. L., Leveille R. A., Koenig A. E., "Geochemistry of magnetite from porphyry Cu and skarn deposits in the southwestern United States", 50 (2015) 493-515.
- [19] Knipping J. L., Bilenker L. D., Simon A. C., Reich M., Barra F., Deditius A. P., Wälle M., Heinrich C. A., Holtz F., Munizaga R., "Trace elements in magnetite from massive iron oxide-apatite deposits indicate a combined formation by igneous and magmatic-hydrothermal processes", *Geochimica et Cosmochimica Acta* 171 (2015) 15-38.
- [20] Barton M. D., Johnson D. A., "Evaporitic-source model for igneous-related Fe oxide-(REE-Cu-Au-U) mineralization", *Geology* 24 (1996) 259-262.
- [21] Rhodes A. L., Oreskes N., Sheets S., "Geology and rare earth element geochemistry of magnetite deposits at El Laco, Chile: in Skinner, B.J., ed., *Geology and ore deposits of the Central Andes*", Society of Economic Geologists, Special Publication 7 (1999) 299-332.
- [22] Bodnar R. J., "Revised equation and table for determining the freezing point depression for H₂O-NaCl solutions", *Geochimica et Cosmochimica Acta* 57 (1993) 683-684.
- [23] Goldstein R. H., Reynolds T. J., "Systematics of fluid inclusions in diagenetic minerals", SEPM Short Course 31. Society for sedimentary geology, United States of America (1994) 213 pp.
- [24] Kesler S. E., "Ore-forming fluids", *Elements* 1 (2005) 13-18.
- [25] Fisher J. R., "The volumetric properties of H₂O-A graphical portrayal. J. Res. ", *US Geol. Surv.* 4 (1976) 93-189.
- [26] Fournier R. O., "Hydrothermal processes related to movement of fluid from plastic into brittle rock in the magmatic-epithermal environment", *Economic Geology* 94 (1999) 1193-1212.
- magnetite: A review", *Ore Geology Reviews* 61 (2014) 1-32.
- [4] Chung D., Zhou M. F., Gao J. F., Chen W. T., "In-situ LA-ICP-MS trace elemental analyses of magnetite: The late Palaeoproterozoic Sokoman iron Formation in the Labrador Trough, Canada", *Ore Geology Reviews* 65 (2015) 917-928.
- [5] Liu P. P., Zhou M. F., Chen W. T., Gao J. F., Huang X. W., "In-situ LA-ICP-MS trace elemental analyses of magnetite: Fe-Ti-(V) oxide-bearing mafic-ultramafic layered intrusions of the Emeishan large igneous province, SW China", *Ore Geology Reviews* 65 (2015) 853-871.
- [6] Nadoll P., Mauk J. L., Hayes T. S., Koenig A. E., Box S. E., "Geochemistry of magnetite from hydrothermal ore deposits and host rocks of the Mesoproterozoic Belt Supergroup, United States", *Economic Geology* 107 (2012) 1275-1292.
- [7] Wilkinson J. J., "Fluid inclusions in hydrothermal ore deposits", *Lithos* 55 (2001) 229-272.
- [8] Roedder E., "Fluid inclusions", *Mineral Soc Am Rev* 12 (1984) 644 pp.
- [9] Maghfouri S., Movahed Nia M., Hosseinzadeh M., "Geology, mineralization, ore texture, paragenetic sequence of the Kuh-Baba IOA type iron deposit, South of Ghareh-Aghaj, Northwest of Iran", The 34th national and 2nd international Geosciences congress, Iran (2015).
- [10] Pichab Kansar Company., "Exploration report of Kuh Baba iron ore deposit", Ministry of industry, Mine and Trade, Iran (2012).
- [11] Alavi M., "Sedimentary and structural characteristics of the Paleo-Tethys remnants in northeastern Iran", *Geological Society of America Bulletin* 103 (1991) 983-992.
- [12] Aghanabati A., "Major sedimentary and structural units of Iran (map)", *Geosciences* 7 (1998) 29-30.
- [13] Babakhani A. R., Ghalamghash J., "1:100000 Geological map of Takht-E-Soleyman", Geological survey of Iran (1996).
- [14] Kretz, R., "Symbols for rock-forming minerals", *American Mineralogist* 68 (1983) 277-279.
- [15] Dupuis C., Beaudoin G., "Discriminant diagrams for iron oxide trace element fingerprinting of mineral deposit types", *Mineralium Deposita* 46 (2011) 319-335.
- [16] Beaudoin G., Dupuis C., Gosselin P., Jebrak M., "Mineral chemistry of iron oxides: application